292645 ـ حکم پختن برخی غذاها و شیرینی‌های مخصوص برای ماه رمضان

سوال

نزد ما در مصر برای ماه رمضان برخی غذاهای خاص تهیه می‌شود که مخصوص این ماه است مانند کنافه و آجیل و دیگر غذاها و شیرینی‌ها اما اینجا یک طالب العلم هست که می‌گوید مخصوص قرار دادن این غذاها برای این ماه جایز نیست زیرا مرتبط ساختن برخی عادات به ماه عبادت باعث می‌شود که آن عادت جزو بدعت قرار گیرد به ویژه آنکه این غذاها کمکی برای روزه‌دار نیست که روزه‌اش را بهتر انجام دهد بنابراین در باب اسباب حسی و شرعی قرار نمی‌گیرد در نتیجه اینکه تنها در ماه رمضان این غذاها خورده شود حرام است و گفت که این سخن یکی از مشایخ در مصر است. حکم این کار چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اینکه مردم عادت کرده‌اند برای ماه رمضان غذاها و شیرینی‌های خاصی تهیه کنند هیچ اشکالی ندارد و در بدعت وارد نمی‌شود زیرا آنان با این کارشان قصد عبادت و تقرب به خداوند ندارد بلکه این از جملهٔ عادات است.

بدعت یعنی ساختن چیزی نو در دین همانطور که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید: هرکس در این امر ما (یعنی دین) چیزی نو پدید آورد که از آن نیست، آن [کار] مردود است به روایت بخاری (۲۶۹۷) و مسلم (۱۷۱۸).

و می‌فرماید: هرکس کاری [به عنوان دین] انجام دهد که امر ما بر آن نیست، پس آن مردود است به روایت مسلم (۱۷۱۸).

بدعت اضافی چنانکه شاطبی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «طریقه‌ای است ساختگی در دین که همسان و شبیه روش شرعی است و قصد از انجام آن همان قصدی است که در روش شرعی وجود دارد [یعنی نزدیک به خداوند و عبادت]...

و از جملهٔ آن: پایبندی به عبادتی خاص در اوقات خاصی است که در شریعت این تخصیص وارد نشده، مانند پایبندی به روزهٔ نیمهٔ شعبان و زنده داشتن شب آن» (الاعتصام: ۱/ ۵۱).

اما پایبندی به یک عادت خاص در وقت خاص، وارد در حد بدعت نیست.

در صحیح بخاری (۵۴۰۳) از سهل بن سعد روایت است که گفت:

ما از آمدن روز جمعه خوشحال می‌شدیم زیرا پیرزنی بود که ریشهٔ چغندر را در دیگ می‌انداخت و و در آن دانه‌های جو می‌ریخت و پس از نماز به دیدار او می‌رفتیم و آن را تقدیم ما می‌کرد و ما به این خاطر از آمدن جمعه شاد می‌شدم و غذا نمی‌خوردیم و استراحت نمی‌کردیم مگر بعد از جمعه. به خدا سوگند در آن نه پیه بود و نه چربی.

بنا بر این حدیث، آن بانوی صحابیه غذایی خاص را مخصوصا در روز جمعه می‌پخت و اصحاب پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نیز منتظر جمعه می‌نشستند و با آمدنش شاد می‌شدند زیرا نزد او این غذا را می‌خوردند!

حال آیا می‌توان این کار را بدعت دانست؟

چه فرقی است میان غذاهایی که مخصوصا در ماه رمضان پخته می‌شود و عادتی که صحابه در روز جمعه داشتند؟

شیخ محمد بن ابراهیم ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «و اگر دربارهٔ عادات گفته شود که بدعت و نوساخته است در این صورت هر آنچه از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و لباس‌ها و سواری‌ها و همهٔ انواع وسایل و ابزار زندگی که در دوران پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ و اصحاب ایشان نبوده و پس از آنان ابداع شده نیز از جملهٔ بدعت‌ها و منکرات خواهد بود!

حال آنکه این سخن در نهایتِ سقوط و بطلان و جهل تام نسبت به اصول دین و مقاصد آن است.

و سخن رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ در بیان معنای بدعت، واضح و آشکار است.

بر صاحبان فهم و بصیرت مخفی نیست که منظور از نو آوردن مردود، نو آوردن در دین است، مانند اضافه کردن در دین یا پایبندی به روش خاصی که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ به آن پایبندی نکرده‌اند» (فتاوی الشیخ محمد بن إبراهیم: ۲/ ۱۲۸).

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«تفاوت بین عادت و عبادت:

عبادت آن چیزی است که الله و پیامبرش برای تقرب به الله و به هدف اجر و پاداش به آن امر کرده باشند.

اما عادت چیزی است که مردم در بین خود به آن خو گرفته‌اند مانند غذا و نوشیدنی و شکل خانه و لباس و سواری و معاملات و مانند آن.

تفاوت دیگری نیز بین عادت و عبادت وجود دارد: اصل در عبادات منع و تحریم است مگر آنکه دلیلی داشته باشیم که یک کار عبادت است زیرا الله تعالی می‌فرماید:

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ الله

[شوری: ۲۱]

(آیا برای آنان شریکانی است که در آنچه الله بدان اجازه نداده برایشان آیینی مقرر داشته‌اند؟)

اما در مورد عادات اصل بر حلال بودن است مگر آنکه دلیلی بر منع و تحریم آن باشد.

بر این اساس اگر مردم به چیزی عادت کنند و سپس عده‌ای بیایند و بگویند این کار حرام است از او دلیل خواسته می‌شود و گفته می‌شود: دلیلت بر اینکه این کار حرام است کجاست؟

اما در مورد عبادات، اگر به انسان گفته شود این نوع عبادت کردن بدعت است و او گفت نه، بدعت نیست، به او می‌گوییم: دلیلت بر اینکه این کارت بدعت نیست چیست؟ زیرا اصل در عبادات منع است تا آنکه دلیلی بر مشروعیت آن کار ارائه شود» (لقاء الباب المفتوح: ۲/ ۷۲).

ایشان همچنین می‌گوید:

«ظابطهٔ بدعت از نظر شرعی قصد عبادت الله به روشی است که الله مشروع نساخته.

یا می‌توانی بگویی: قصد عبادت الله با آنچه پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ و خلفای راشدین بر آن راه و روش نبوده‌اند. بنابراین هرکس خداوند را با روشی عبادت کند که خود الله مشروع نساخته یا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ و خلفای راشدین بر آن نبوده‌اند، او مبتدع است، چه این تعبد متعلق به نامها و صفات الله باشد یا متعلق به احکام و شرع او.

اما در مورد امور عادی که تابع عادت و عرف است: این بدعت در دین نامیده نمی‌شود اگر چه در لغت بدعت نامیده شود اما بدعتِ دینی نیست و از جملهٔ بدعتی نیست که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نسبت به آن هشدار داده است» (مجموع فتاوی ورسائل ابن عثیمین: ۲/ ۲۹۲).

والله اعلم